

همایش بین‌المللی "آیا راهی برای خروج از بن‌بست در افغانستان وجود دارد؟"

کنفرانس بین‌المللی سیندرم افغانستان: آیا راهی برای خروج از بن‌بست وجود دارد؟ در تاریخ ۱۷/۹/۲۰ در مسکو برگزار گردید. در این کنفرانس نزدیک به ۳۰ نفر از محققان و دیپلمات‌های کشورهای روسیه، آلمان، قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان، پاکستان، افغانستان، اوکراین و جمهوری اسلامی ایران حضور داشتند. نگارنده از ایران در کنفرانس مذکور شرکت نمود.

شرایط از وخامت بیشتری برخوردار گردیده است. وی در ادامه اظهار داشت: از نظر ژئوپلیتیک اینکه افغانستان بخشی از آسیای مرکزی است یا آسیای غربی، حائز اهمیت می‌باشد، وی در ادامه گفت: که آیا می‌توانیم از سازمان‌های استفاده کنیم؟ برای تحلیل مسائل افغانستان چه عناصری را باید در نظر گرفت؟

پس از سخنرانی افتتاحیه، جلسه نخست تخصصی با عنوان مروری بر اوضاع سیاسی و نظامی افغانستان و آسیای مرکزی آغاز گردید. ابتدا آقای ویکتور کورگان رئیس بخش افغانستان مؤسسه شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه گزارش خود را تحت عنوان ارزیابی فعالیت نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در افغانستان ارائه نمود. وی اظهار داشت: نیروهای حافظ صلح بین‌المللی (ایساف) از ۴۱ کشور تشکیل شده که ۲۶ کشور عضو ناتو هستند و ۵۲ هزار نفر نیروی نظامی دارند و سهم آمریکا ۲۳ هزار

جلسات کنفرانس شامل جلسه افتتاحیه، دو جلسه تخصصی و جلسه اختتامیه بود. سخنرانی افتتاحیه سمینار توسط رؤسای مرکز سیاسی-اجتماعی روسیه و رئیس دفتر بنیاد روزا لوکزامبورگ در مسکو ایراد شد، آقای الکساندر موزیکانتسکی رئیس مرکز روسی اظهار داشت: تحولات افغانستان برای منطقه و کشورهای دیگر به شرایط خطرناکی رسیده است. به همین دلیل این مرکز با همکاری بنیاد روزا لوکزامبورگ برگزاری چنین سمیناری را در دستور کار قرار داد. نکات مهمی در این مسأله دخیل هستند که از جمله آنها تحولات در روابط روسیه و آمریکا است.

آقای پیتر لینکه رئیس دفتر بنیاد روزا لوکزامبورگ در مسکو نیز اظهار داشت که رویکرد نظامی در افغانستان به شکست انجامیده و نتایج ناگواری به وجود آورده است. اگر به تاریخ مناقشه نگاه کنیم، در می‌یابیم که به مرور

نفر است که تحت فرماندهی ناتو کار می‌کنند. ۱۲ هزار نیروی نظامی آمریکائی نیز به طور مستقل در افغانستان حضور دارند که باید انتظار افزایش آنها را داشته باشیم.

وی همچنین گفت اکنون میزان قدرت طالبان مورد سؤال نیست بلکه سؤال این است که طالبان چه زمان کابل را فتح خواهد کرد؟ توفیق نظامی طالبان مدیون حمایت ضمنی مردم است. از دیدگاه آنان، طالبان محافظه کار است اما علیه بی‌دینان، آمریکا و فساد مبارزه می‌کند و مردم از این ایده‌ها حمایت می‌کنند. اکثریت مردم نمی‌خواهند طالبان بازگردند اما در بخش‌هایی از افغانستان تا ۳۰ درصد مردم از آنها حمایت می‌کنند. این یک واقعیت است که طالبان در بسیاری از مسائل کارآمدتر از دولت مرکزی است که درگیر ناکارآمدی و فساد می‌باشد. طالبان به تدریج قابلیت‌های خود را به مردم نشان داده است.

به طور کلی، مردم احساس می‌کنند که شرایط در افغانستان به بن بست رسیده است. احساسات ضد غربی در حال افزایش است. احساس مثبت مردم نسبت به غرب از ۷۶ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۴۶ درصد در سال ۲۰۰۸ رسیده است. یکی از دلایل آن حملات آمریکا به مردم عادی است. مردم می‌گویند نیروهای غربی به اندازه طالبان مردم می‌کشند. تاکنون طی سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۱۴۴۵ نفر غیر نظامی توسط نیروهای ناتو کشته شده‌اند. این آمار رسمی است و آمار غیر رسمی قطعاً بیشتر است. این در حالی است که تنها در ماه اوت ۳۰۰ نفر کشته شدند. در سال‌های اخیر دولت آمریکا تردید خود را نسبت به صحت سیاست‌های خود اعلام داشته و اقدامات ناتو نتوانسته است مانع تجارت مواد مخدر شود. بررسی میزان توجه غرب به ویژه آمریکا به مسائل افغانستان بیانگر آن است که افغانستان اولویت خود را در سیاست خارجی آمریکا از دست داده است.

در خصوص مذاکره با طالبان نیز به نظر می‌رسد رویکرد دولت افغانستان و برخی کشورهای غربی مبتنی بر انجام مذاکره با این گروه است. ناتو نیز از ایده مذاکره حمایت کرده اما نمی‌خواهد در این مورد موضع رسمی اتخاذ نماید. روسیه مخالف مذاکره با طالبان است زیرا آن را با منافع منطقه‌ای خود در تضاد می‌بیند. از دیدگاه روسیه، راه حل نهائی مبارزه با افراط‌گرایی باید توسط خود مردم انتخاب شود.

ژنرال لئونید ایواشف رئیس آکادمی مسائل ژئوپلیتیک روسیه سخنان دوم سمینار بود که با عنوان جنبه‌های ژئوپلیتیک بحران افغانستان و آسیای مرکزی: آمریکا و ناتو در عرصه قضاوت، به ارائه مطلب پرداخت. وی با انتقاد از عملکرد آمریکا و ناتو در افغانستان، به نقش آمریکا در شکل‌گیری و دستیابی به قدرت توسط طالبان اشاره نمود. به گفته وی، قبل از مرگ احمد شاه مسعود، عناصر طالبان و القاعده در جلسه‌ای با حضور مسؤولان اطلاعاتی پاکستان درباره نا آرام کردن افغانستان به توافق رسیده و آن را در دستور کار خود قرار دادند. وی گفت: وجود افغانستان در منطقه و در قلب جهان اسلام می‌تواند هند، پاکستان، ایران روسیه و چین را تحت تأثیر قرار دهد. مناطقی چون خاورمیانه و قفقاز نیز به طور غیر مستقیم تحت تأثیر هستند.

ژنرال ایواشف با مقایسه سیاست آمریکا در عراق و افغانستان، اظهار داشت: آمریکائی‌ها از خروج از عراق صحبت می‌کنند اما حرفی از خروج از افغانستان به میان نمی‌آورند. وی سه سناریو را پیش روی افغانستان دانست، در سناریوی اول، آمریکا اقدام به امضای توافقنامه با دولت مرکزی می‌نماید. در نتیجه، به طور موقت آرامش برقرار گردیده، پایگاه‌های آمریکا و ناتو در افغانستان مستقر شده، توسعه نسبی اجتماعی صورت گرفته و امنیت نسبی حاصل می‌گردد. اما شرایط موقت است زیرا تحمل در

افغانستان زیاد نیست. اگر طالبان به توافق برسند موجب می‌شود نیروهای افراطی قدرت را در دست گیرند که این امر به شروع مجدد جنگ داخلی منجر می‌گردد.

سناریوی دوم آن است که طالبان این توافقنامه را رد خواهد کرد این امر نیز موجب استمرار جنگ داخلی، تلفات بیشتر و نهایتاً غلبه طالبان بر حاکمیت فعلی خواهد شد.

سناریوی سوم در چارچوب سازمان همکاری شانگهای است. البته آمریکا و غرب نیز می‌توانند در این روند شرکت کنند. این چارچوب ثبات بیشتر، مشارکت جدی‌تر کشورهای منطقه به ویژه کشورهای آسیای مرکزی را در پی خواهد داشت.

سخنران بعدی، خانم باریشاپولتس کسنیا رئیس مرکز مطالعات کشورهای مشترک‌المنافع وابسته به مؤسسه دولتی روابط بین‌الملل بود که با عنوان ترکیب استراتژی دولت‌های آسیای مرکزی در مبارزه با تجارت مواد مخدر، تروریسم و افراط‌گرایی محلی مطالب خود را ارائه نمود. وی با اشاره به مشکلات و پیامدهای گسترش قاچاق مواد مخدر در افغانستان و منطقه آسیای مرکزی، این روند را بسیار پیچیده خواند و نقش دولت مرکزی افغانستان در موضوع تجارت مواد مخدر را قابل بررسی دانست.

وی با دشوار ارزیابی کردن حل مشکل مواد مخدر توسط دولت و مردم افغانستان، اظهار داشت: تولید مواد مخدر در افغانستان پس از طالبان به اندازه کافی افزایش یافته و به نظر می‌رسد در شرایطی که مواد مخدر افغانستان به مرزهای آمریکا رسیده است، واشنگتن و ناتو توجه چندانی به این موضوع ندارند. وی گفت: آسیای مرکزی تنها ۳۰ درصد مواد مخدر صادر شده از افغانستان را عبور می‌دهد و بیشتر صادرات از مسیرهای جنوب افغانستان صورت می‌گیرد.

نامبرده تقویت گاردهای مرزی و ارتقای سطح حرفه‌ای آنان، ترجیح راه حل سیاسی برای مبارزه با قاچاقچیان و اصلاح ساختارهای دولتی در مقابله با تولید و صدور مواد مخدر، تأمین رفاه مأموران مبارزه با مواد مخدر و مدیریت صحیح تبلیغات در رسانه‌های گروهی را از جمله راهکارهای پیشنهادی در مبارزه با مواد مخدر اعلام کرد.

سخنران بعدی ولادیمیر اوسیف محقق ارشد مؤسسه اقتصاد جهانی و امور بین‌الملل وابسته به آکادمی علوم روسیه بود که با عنوان سازمان همکاری شانگهای و نقش آن در غلبه بر بحران در افغانستان به ارائه مطلب پرداخت. وی با اشاره به تمایل آشکار سازمان همکاری شانگهای برای حضور در مسأله افغانستان اظهار داشت: کشورهای عضو و ناظر این سازمان هم‌اکنون نیز به شکل فعالی در مسأله افغانستان درگیر هستند. موضوع افغانستان همواره در نشست‌های سران سازمان به ویژه در نشست‌های اخیر در بیشکک و دوشنبه در دستور کار قرار داشته است. سازمان همکاری شانگهای بر حل جامع بحران و عناصر آن تأکید دارد. بخش ضد تروریستی سازمان که در بیشکک مستقر است در پی ایجاد یک کارگروه در مورد تروریسم است که بخش اعظم آن متوجه افغانستان است. در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر نیز در نشست اخیر سران در دوشنبه، رئیس جمهور تاجیکستان پیشنهاد نمود یک مرکز ویژه در دوشنبه برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر تشکیل شود. در اجلاس بیشکک نیز رئیس جمهور قرقیزستان پیشنهاد برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی در مورد تروریسم و مواد مخدر در افغانستان را ارائه نمود. به اعتقاد ایشان، افغانستان نمی‌تواند به حال خود واگذار شود و سازمان همکاری شانگهای بایستی بر اعطای کمک‌های نظامی به افغانستان نظارت نماید. حضور نیروهای غربی در مسائل

افغانستان موجب بدتر شدن اوضاع شده است. وی در تحلیل سیاست آتی آمریکا در قبال افغانستان گفت: حتی اگر بپذیریم که سیاست‌های اوباما با بوش فرق می‌کند نمی‌توانیم بپذیریم که وی کورکورانه عراق و افغانستان را ترک خواهد کرد. شمار نیروها در عراق کاهش خواهد یافت اما برخی نیز در افغانستان به طور موقت مستقر خواهند شد و این امر منجر به بهبودی اوضاع نخواهد شد. نامبرده معتقد بود که عقب نشینی کامل ناتو و غرب تأمین کننده منافع روسیه نیست زیرا گرفتاری آمریکا در افغانستان مانع از حضورش در مناطق دیگر می‌شود. اگر آمریکا خارج شود کدام قدرت می‌تواند مسائل افغانستان را حل کند؟ چین نیز از ناحیه افغانستان احساس خطر می‌کند. اگر روسیه مانع عبور کالا از مرز خود شود از مسیر پاکستان می‌رود اما اگر روسیه اجازه دهد می‌تواند در روند اعمال نظر کند به ویژه اینکه روسیه و غرب در مورد افغانستان اختلاف نظر چندانی ندارند.

آلکسی ماخلای معاون اول مرکز سیاسی-اجتماعی روسیه سخنان بعدی بود که سخنانی با عنوان منافع آمریکا و آسیای مرکزی در کنترل بر افغانستان ارائه کرد. وی با اشاره به اهمیت استراتژیک افغانستان، اظهار داشت که کنترل افغانستان به معنی کنترل آسیای مرکزی است. رشد اقتصاد بین‌المللی نیاز به منابع معدنی را افزایش داده است و اگرچه افغانستان دارای منابع انرژی نیست ولی نقش مهمی در توزیع منابع نفت و گاز منطقه دارد. به این دلیل آمریکا نه تنها در پی تسلط بر افغانستان و آسیای مرکزی است بلکه کاهش نقش روسیه، چین، هند و ایران را نیز در دستور کار دارد.

تمامی کشورهای منطقه به نوعی درگیر مسأله انرژی هستند لکن اگر عبور خط لوله از افغانستان محقق شود آمریکا بیشترین سود را خواهد برد. کشورهای پاکستان، هند، چین، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و

ازبکستان نیز می‌توانند منافعی را در این وضعیت برای خود تعریف نمایند. چین یک بازیگر جهانی در منطقه است و موقعیت آن به عنوان یک کشور با نفوذ در منطقه باید مورد توجه قرار گیرد. آمریکا نمی‌خواهد چین به یک کشور قوی تبدیل شود. در مورد روسیه نیز همین وضعیت حاکم است. کنترل بر افغانستان موجب کنترل چین و هند در دراز مدت است. بحران افغانستان ظرف سی سال گذشته ناشی از سیاست‌های کشورهای خارجی بوده است. نگارنده به عنوان سخنران بعدی سمینار، به تشریح دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران افغانستان پرداخت. در ابتدا به ارزیابی روندهای جاری در افغانستان پرداخته و در بیان روندهای منفی، سقوط شرایط و استانداردهای زندگی، بی‌ثباتی و ناامنی، گسترش کاشت و تجارت مواد مخدر، ضعف حاکمیت و ناکامی آمریکا و ناتو در استقرار ثبات در افغانستان اشاره نمود. در عین حال برخی روندهای نسبتاً مثبت نظیر ثبات نسبی در سیستم سیاسی، تحول و تقویت نسبی نیروهای نظامی افغانستان، برخی پیشرفت‌ها در آموزش و بهداشت و بهبودی نسبی در برخی شاخص‌های اقتصادی نظیر نرخ تورم، سرمایه‌گذاری، اصلاحات پولی و درآمدهای دولت نیز مورد اشاره قرار گرفت.

درخصوص پیامدهای منطقه‌ای بحران افغانستان، به این مطلب اشاره شد که بحران افغانستان ثبات و امنیت در آسیای مرکزی و آسیای غربی را تحت تأثیر قرار داده و سطح تهدید و بی‌ثباتی در منطقه را افزایش داده است. متأسفانه در چنین شرایطی، کشورهای منطقه نقش چندان مؤثری در حل و فصل بحران ایفا نمی‌کنند و عمدتاً شاهد فعالیت کشورهای خارج از منطقه می‌باشند. در شرایطی که راه‌حل آمریکا و ناتو در افغانستان به بن بست رسیده است، رویکرد منطقه‌ای و فعال شدن کشورهای منطقه می‌تواند گامی به جلو ارزیابی گردد.

در تشریح دیدگاه‌ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران در افغانستان ابتدا به اهمیت ثبات و امنیت در افغانستان برای ایران اشاره و آسیب‌های ناشی از گسترش بی‌ثباتی در این کشور همسایه ایران برشمرده شد. در بیان اهداف، سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، ترجیح ایران به یک رویکرد منطقه‌ای در حل مسأله افغانستان، حمایت از دولت مرکزی مقتدر، مخالفت با تروریسم و قاچاق مواد مخدر، مخالفت با اشغال و حضور بیگانه و مخالفت با تبدیل افغانستان به پایگاهی برای اقدام علیه کشورهای همسایه آن را به عنوان سرفصل‌های عمده سیاست ایران در این کشور اعلام و به تشریح اقدامات و فعالیت‌های ایران در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در جهت استقرار ثبات و کمک به توسعه و رفاه در این کشور پرداخته و در جمع‌بندی به این نکته اشاره شد که هر گاه ایران در افغانستان حضور مؤثر داشته، این کشور به ثبات و امنیت بیشتری نزدیک شده است.

ولادیمیر سازین محقق مؤسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه سخنران بعدی بود که با عنوان "نقش ایران در مسائل افغانستان" سخنرانی نمود. وی گفت: افغانستان همواره مورد توجه ایران و حوزه منافع این کشور بوده و ایران در طول تاریخ از جمله در عصر شوروی و حاکمیت طالبان از تحولات این کشور غافل نگردیده است. طالبان یک تهدید جدی برای ایران بود و ایران برای مقابله با این تهدید به ائتلاف ضد طالبان کمک‌های مالی فراوانی کرد. با این حال ایران به‌رغم کمک به دولت مرکزی و حمایت از بازسازی اقتصادی و اجتماعی این کشور، هم‌زمان با طالبان نیز ارتباط داشته و اخباری مبنی بر ارسال اسلحه از سوی ایران برای طالبان منتشر شده است. وی با نام بردن از دو تن از نمایندگان مجلس افغانستان، ادعای کمک نظامی ایران به طالبان را

به نقل از آنان اعلام نمود. (پس از خاتمه اظهارات وی، با اشاره به تضادهای عقیدتی و نیز سابقه تخاصم جریان طالبان و القاعده با جمهوری اسلامی ایران، هر گونه ارتباط و کمک نظامی کشورمان به طالبان تکذیب گردید و اضافه گردید که کشورهای غربی به دلیل اشتباهات خود در افغانستان زمین‌گیر شده‌اند و ایراد اتهام به جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً از زبان مسؤولان این کشورها و رسانه‌های غربی صورت می‌گیرد در واقع در جهت فرافکنی مشکلات است).

پیتر گونچارف تحلیل‌گر سیاسی ژانرس خبری "ریا نووستی" سخنران بعدی بود که در سخنانی با عنوان "ابعاد بن‌بست سیاسی و نظامی در افغانستان" ضمن مخالفت با خروج آمریکا از افغانستان گفت: خروج آمریکا موجب ایجاد حکومت اسلامی در این کشور می‌شود و وقوع چنین رویدادی به هیچ وجه در جهت منافع روسیه و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیست. وی گفت: با خروج آمریکا، طالبان و القاعده در افغانستان بر اوضاع مسلط شده و متعاقب آن یک دولت اسلامی در دره فرغانه تشکیل می‌گردد.

به گفته وی، دولت افغانستان توجه چندانی به روسیه نداشته و هم‌اکنون روسیه کمترین نفوذ را در قیاس با دیگر کشورهای منطقه در افغانستان دارد. وی در این خصوص به سخنرانی کرزای اشاره کرد که در آن از کمک و مساعدت کشورهای آمریکا، چین، ژاپن، عربستان و جمهوری اسلامی ایران در ایجاد ثبات و توسعه در افغانستان تقدیر گردید لکن هیچ اشاره‌ای به روسیه نشد. جلسه دوم مباحث تخصصی کنفرانس، با عنوان "مسائل اقتصادی و جنبه‌های انسانی بحران افغانستان" برگزار گردید. ابتدا پیتر لینکه رئیس بخش روسیه مؤسسه روزا لوکزامبورگ به عنوان رئیس جلسه به مسائل و مشکلات انسانی در افغانستان اشاره نمود و شرایط وخیم

اوضاع در این کشور را از زبان رسانه‌های غربی تشریح نمود. در ادامه، یوری لالتین استاد مؤسسه شرق شناسی دانشگاه دولتی مسکو با عنوان "رویکرد و نقش روسیه در حل و فصل بحران افغانستان" به تشریح سیاست روسیه در افغانستان و روابط دو کشور پرداخت. وی پس از اشاره به مذاکرات بین رهبران و مسوؤلان روسی و افغانی طی سال‌های اخیر، سیاست روسیه را حول محورهای نظیر حمایت از دولت مرکزی، مشارکت در بازسازی اقتصادی و مخالفت با بازگشت طالبان به قدرت اعلام کرد. وی بر مخالفت روسیه با هر گونه مذاکره با طالبان تأکید و به نقل از وزیر خارجه روسیه اعلام کرد که موضع اصولی روسیه آن است که ارتش ملی باید تقویت شود. وی گفت: روسیه در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۲ به بازسازی ارتش افغانستان کمک نموده و نزدیک به صد نفر از این نیروها در روسیه آموزش دیده‌اند.

آرنه زایفر کارشناس بنیاد روزا لوکزامبورگ سخنران بعدی بود که با عنوان "حل و فصل مناقشه در افغانستان: مقایسه بین تاجیکستان و افغانستان" به تشریح ابعاد مختلف جنگ داخلی تاجیکستان پرداخت. وی نقش مثبت روسیه و ایران در حل و فصل بحران تاجیکستان را مهم ارزیابی نموده و مهمترین عامل در حل این بحران را رویکرد برد-برد نزد طرف‌های درگیر و متخاصم در تاجیکستان دانست که به اعتقاد وی این امر در افغانستان تاکنون محقق نگردیده است. وی ادامه داد که رویکرد برد-برد راه حل نظامی ندارد. شکست در افغانستان برای هیچ کس مفید نیست. راه حل تاجیکستان برد-برد بود. در این کشور توافق ملی برقرار بود. وی بر تقویت نقش سازمان ملل در افغانستان تأکید و اظهار داشت: ناتو باید از اشتباهات خود در افغانستان عبرت بگیرد. اگر ناتو نتواند جنگ را پایان دهد دیگران آن را خاتمه خواهند داد. سازمان ملل باید ابتکاراتی در این جهت به کار گیرد. این

ابتکارات باید سه بعد داشته باشد؛ بین المللی کردن حل مسأله افغانستان به جای آنکه یک کشور یا سازمان در این مورد تصمیم بگیرد، رفع انحصار طلبی نظامی در افغانستان و سرانجام، احاله امور به دولت مستقل و کارآمد در افغانستان. کشورها و سازمان‌های دیگر می‌توانند در این امر مشارکت نمایند لکن باید نتیجه و نهایت کار معلوم شود.

سخنران بعدی، خانم تاتیانا شائومیان رئیس مرکز مطالعات هند در مؤسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه با عنوان مقاله "عامل هند در حل و فصل مسأله افغانستان" به تشریح سیاست‌ها و اقدامات هند در قبال افغانستان پرداخت. وی با ذکر برخی مؤلفه‌ها نظیر نقش تمدن اسلامی در هند، جمعیت مسلمان این کشور و نقش این کشور در مبارزه با افراط گرایی و تروریسم، به همکاری مشترک روسیه، چین و هند در مبارزه با تروریسم اشاره کرد. وی با استناد به نتایج جلسه سه جانبه اخیر سه کشور مذکور در خصوص افغانستان، اظهار داشت: هر سه کشور توافق کردند که در افغانستان راه حل نظامی به شکست خواهد انجامید. نیروهای خارجی باید از افغانستان خارج شوند زیرا حضور آنان موجب بی ثباتی است. هر سه کشور معتقدند که مسأله افغانستان با در نظر گرفتن منافع همه طرف‌های درگیر از جمله طالبان قابل حل و فصل است.

وفا نیاتیکوف محقق ارشد مرکز سیاست خارجی و تحولات اقتصادی در مؤسسه تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری تاجیکستان با عنوان "رابطه بین ثبات نظامی-سیاسی و راه‌های توسعه اقتصادی افغانستان" گفت: استقرار ثبات در افغانستان این امکان را فراهم می‌کند تا دیگر کشورهای آسیای مرکزی بتوانند در بازسازی این کشور شرکت کنند اما متأسفانه شرایط جاری در افغانستان از چنین وضعیتی به دور است. قدرت گیری مجدد طالبان

و نمایش قدرت علیه دولت مرکزی موجب نگرانی است. بی‌ثباتی در افغانستان به روشنی به پاکستان سرایت کرده است. نقش قبایل پشتون در این رابطه بسیار حائز اهمیت است. وی در مورد عبور خطوط لوله گاز از افغانستان گفت در ابتدای دهه ۹۰ پاکستان قاطعانه از خط لوله گاز افغانستان حمایت کرد و بی‌نظیر بوتو آن را با جدیت پی‌گیری کرد. تابستان سال جاری کرزای با رئیس‌جمهور ترکمنستان در مورد انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان گفتگو نمود. در مذاکرات در عربستان، دلتا اوپل از طرح این موضوع با رهبران طالبان خبر داد. آمریکا در پی تحکیم اقتدار خود در منطقه است و بر روی خطوط لوله تمرکز نموده است. در این رابطه برخی پروژه‌ها در حال پی‌گیری است.

کنستانتین مارکوف محقق مؤسسه شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه در سخنانی با عنوان مشارکت ایران در حل و فصل وضعیت جاری افغانستان گفت: چهار عامل اساسی در مواضع و سیاست‌های ایران در قبال افغانستان تأثیر دارد که عبارتند از: ژئوپلیتیک افغانستان، منافع اقتصادی، امنیت ایران و عامل عقیدتی. وی رویکرد ایران در قبال افغانستان را مبتنی بر مقابله با آمریکا و مساعدت به توسعه همکاری اقتصادی با این کشور ارزیابی کرد

محمود شاه محقق ارشد مؤسسه روابط بین‌الملل مسکو آخرین سخنران سمینار بود که با عنوان افغانستان، سازمان همکاری شانگهای و مسأله قاچاق مواد مخدر به ایراد مطالب پرداخت. وی با تمرکز بر سازمان همکاری شانگهای و اینکه این سازمان دارای سازوکارهای مناسب برای درگیر شدن در بحران افغانستان است، نگرانی اعضای سازمان از سرایت بحران افغانستان به آسیای مرکزی و دیگر کشورهای منطقه را جدی ارزیابی کرد و گفت: سازمان شانگهای می‌تواند با همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل ایفای نقش کند زیرا

کشورهای عضو این دو سازمان به شکلی درگیر بحران افغانستان هستند.

در جلسه جمع‌بندی کنفرانس، آقای ماخلای معاون مرکز سیاسی و اجتماعی روسیه اظهار داشت: طی شش ساعت بحث جدی به نقش افغانستان در آسیای مرکزی و دیگر موضوعات پرداختیم. به نظر می‌رسد می‌توان موارد زیر را به عنوان جمع‌بندی مباحث ارائه نمود:

– شرایط اجتماعی و امنیتی در افغانستان بسیار کمتر از حد انتظار است

– بحران افغانستان راه حل بیرونی و نظامی ندارد – نسبت به توفیق لشکر کشی ناتو و آمریکا به افغانستان تردید جدی وجود دارد

– وضعیت افغانستان نیازمند ابتکارات جدید در منطقه است – سرایت بی‌ثباتی به آسیای مرکزی برای این کشورها و روسیه می‌تواند عواقب ناگواری به همراه داشته باشد – نقش سازمان همکاری شانگهای در حل و فصل بحران افغانستان حائز اهمیت است و باید هم از سوی اعضا و هم از سوی دیگر بازیگران منطقه مورد توجه قرار گیرد.

ملاحظات

۱. مرکز سیاسی – اجتماعی روسیه از مراکز تحقیقاتی برجسته در روسیه است که ارتباط نزدیکی با کرملین داشته و گزارش جلسات و جمع‌بندی‌ها را به ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه روسیه ارائه می‌دهد. این سازمان دارای گرایش‌های خفیف ضد غربی است و برگزاری کنفرانس‌های مشترک با مؤسسه روزا لوکزامبورگ که به طیف سوسیالیست آلمان گرایش دارد نیز ناشی از همین رویکرد می‌باشد.

۲. در خلال جلسات سمینار، ضمن گفتگو با جمعی از محققان روسی و دیگر مراکز تحقیقاتی درخصوص تحولات منطقه، طی مذاکره با مسؤولان بنیاد آلمانی روزا لوکزامبورگ توافق شد تا دومین میزگرد دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی با این بنیاد در آینده نزدیک در برلین برگزار گردد. لازم به ذکر است که نخستین میزگرد مشترک دو مؤسسه در سال ۱۳۸۳ در تهران برگزار گردید.

۳. گنجاندن سه سخنرانی در خصوص مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان بیانگر توجه برگزار کنندگان کنفرانس به نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در افغانستان است. به جز سخنرانی آقای سائین (که سابقه دیدگاه‌های منفی علیه جمهوری اسلامی ایران دارد)، فضای جلسه نسبت به مواضع جمهوری اسلامی ایران در افغانستان فضای مثبتی بود.

نظریه

محتوای مباحث کنفرانس مؤید این مطلب است که تأثیر تحولات افغانستان بر آسیای مرکزی و سرایت بی‌ثباتی به این کشورها بیش از هر موضوع دیگری توجه روسیه را به خود معطوف نموده است. در این ارتباط، اظهارات برخی شرکت کنندگان روسی مبنی بر لزوم تداوم

حضور آمریکا در افغانستان با هدف ممانعت از سرایت بی‌ثباتی به آسیای مرکزی حائز توجه بود.

این امر بیانگر آن است که برای روسیه، مهمترین موضوع در افغانستان، ممانعت از تکرار الگوی القاعده و طالبان در آسیای مرکزی به ویژه دره فرغانه است و تداوم حضور آمریکا نه تنها از اهمیت کمتری در قیاس با هدف نخست برخوردار است بلکه ادامه حضور آمریکا و مبارزه با طالبان و القاعده حتی می‌تواند در راستای نیل به هدف نخست مثبت ارزیابی گردد. از سوی دیگر، تجربه سال‌های اخیر به روسیه آموخته است که ادامه درگیری آمریکا در موضوعاتی نظیر عراق و افغانستان می‌تواند به سود مسکو تمام شود. بر این اساس، تداوم چنین وضعیتی بدون توفیق آمریکا، می‌تواند در جهت منافع منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه ارزیابی گردد.

منوچهر مرادی

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز